



مقدمه

یکی از برنامه‌هایی که در زندگی معنوی کودکان دیده می‌شود، سخن گفتن با خداوند و خواستن مسائل مختلف زندگی از اوست.

کودکان به شیوه‌های رسمی و غیررسمی با خداوند نجوا دارند و براساس نیازهای کودکانه‌ی خود، تقاضاهایی از برترین موجودی که می‌شناسند، می‌نمایند. در این زمینه، توجه به فضای روان‌شناختی این برنامه و نیز محتوای دعاها، می‌تواند به ما در درک دنیای کودکان و یاری رساندن به آنان کمک نماید.

برداشت کودکان از مفهوم دعا و راز و نیاز با خدا

براساس محتوا، دعای کودکان به چهار بخش تقسیم می‌شوند:

الف) دعاهاى نوع دوستانه

این دسته از دعاها خانواده، خویشان، دوستان، دیگران، حتی حیوانات خانگی و... را شامل می‌شود؛ برای نمونه، کودک شش ساله‌ای از خداوند می‌خواهد که ماهی‌اش را زنده نگه دارد یا کودک یازده ساله‌ای چنین دعا می‌کند: «خدایا، کمک کن تا در دنیا جاروبرقی بزرگی اختراع کنم تا رفتگران با استفاده از آن خیابان‌ها را جارو کنند و خسته نشوند».

ب) دعاهای شخصی

این دسته از دعاهای کودکان، برای سپاس‌گزاری، تشکر از خدا، اقرار به خطا و تقاضای رفتار پسندیده‌تر، بخشش‌های مادی و خواسته‌های مربوط به مدرسه و کارهای شخصی انجام می‌شود. پسر ده ساله‌ای در یکی از دعاهایش چنین می‌نویسد: «خدای عزیزم، سلام. من پارسال با دوستم در خونه‌ها را می‌زدیم و فرار می‌کردیم. خدایا، منو ببخش.» یا کودک شش ساله‌ای چنین تقاضایی دارد: «خدایا، بهم یک عروسک بده. خدایا، به داداشم یک ماشین پلیس بده!»

ج) دعاهای پیشگیرانه

دعاهای نوع سوم، دعاهایی است که در آنها پیش‌گیری از خطرات فیزیکی دنیا و شفای امراض برای خود و دیگران تقاضا می‌شود؛ دختر یازده‌ساله‌ای در دعای خود از خدا می‌خواهد: «خدایا، در این لحظه‌ی زیبا از تو می‌خواهم که به پدر و مادر همه‌ی بچه‌های تالاسمی پول عطا کنی تا همه‌ی ما بتوانیم دارو بخریم و از درد و عذاب سوزن در شب‌ها رها شویم و در خواب شبانه مانند بچه‌های سالم پروانه بگیریم و از کابوس سوزن‌ها رها شویم». کودک هفت ساله‌ای چنین می‌گوید: «خدای مهربانم، از شما می‌خواهم اگر در شهر ما سیل آمد، به سرعت من را به ماهی تبدیل کنی».

د) دعاهای رسمی

دعاهای رسمی، در قالب یکسری محفوظات تکرار می‌شوند و شامل دعاها و عبادات وارد شده در دین و نیز نیایش‌هایی که در مدرسه خوانده می‌شود، می‌باشد. این دعاها بیش‌تر جنبه‌ی عادت و کلیشه دارد و توجه کم‌تری در آنها دیده می‌شود.

در برخی از برنامه‌های کودک نیز متأسفانه دعاهای کلیشه‌ای غالب شده است، به گونه‌ای که کودکان درباره‌ی دعا کردن دچار تکرار و تشابه شده‌اند تا جایی که اگر از کودکان خواسته شود چیزی از خدا بخواهند، معمولاً به صورت خودکار شفای بیماران را می‌خواهند، با آن‌که شاید بیماری در ذهنشان نباشد.

کودکان هنگامی که مشغول دعا و مناجات با خداوند هستند، برداشتهایی متناسب با دنیای شناختی خود دارند و درباره‌ی خدایی که با او سخن می‌گویند، براساس سنین مختلف، تصوراتی این چنین دارند:

تا ۹ سالگی: در نیایش و عبادات، خدا با همان ویژگی انسان فیزیکی، تصور می‌شود. هنگامی که کودک مشغول دعا است، خدا را به صورت فیزیکی در آن محل حاضر می‌داند یا می‌پندارد، خداوند بالای سر او در بهشت، با واسطه‌های مادی مانند میکروفون و دیگر دستگاه‌های شنود، به کلام و خواسته‌های آنان گوش می‌دهد. این کودکان تصور می‌کنند که دعاهای آنها به صورتی کاملاً سحرآمیز و سریع مستجاب می‌شود و اگر این گونه نباشد، علت آن را در مسائل اخلاقی و رفتارهای بد خود تلقی می‌کنند؛ برای نمونه، دختر هفت ساله‌ای از خدا می‌خواهد: «خدای مهربان، من یک جفت کفش می‌خواهم که بنفش باشد و موقع راه رفتن تق تق کند! ممنونم خدایا!»

۱۰ تا ۱۲ سالگی: در این گروه سنی، بیش‌تر دعاهای نوع دوستانه دیده می‌شود، دعاهای نوع سوم نیز زمینه‌ی طرح بیش‌تری می‌یابند. مفهوم خدا در عبادات از صورت انسانی به صورت فوق بشری و فوق طبیعی تغییر می‌یابد و کمی بعد، در سنین نزدیک به بلوغ، تصور فیزیکی خدا جای خود را به تصوراتی با روحانیت بیش‌تر می‌دهد؛ برای

نمونه، در یکی از این دعاها از کودک یازده ساله آمده است که من دعا می‌کنم که خودمان نه، همه مردم جهان در روز قیامت به بهشت بروند.

۱۲ سالگی به بعد: ادعیه‌ی نوع‌دوستانه در این سنین و نیز دوران بلوغ به اوج خود می‌رسد.

دعاهای شخصی نیز بیش‌تر متوجه تعالی رفتار می‌شود و مسئله اقرار و طلب بخشش در آنها فزونی می‌یابد. این گروه معتقدند که خدا با آگاهی از مصلحت بندگان، دعاهای غیرضروری، غیرصادقانه، خالی از اعتقاد و غیرمناسب آنان را اجابت نمی‌کند.

انتظار کودک از دعا

برخی از کودکان انتظار دارند که خداوند تمام دعاهای آنان را مستجاب کند و آنها را به تمام آرزوهایشان برساند. حتی گاهی انتظار دارند خداوند هم‌کلاسی آنان را که رفتار خوبی نداشته‌اند، تنبیه کند. بدیهی است که چنین انتظاری نادرست می‌باشد و پذیرفتنی نیست. در تعدیل انتظار کودکان از دعاهایشان، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱. برای او در قالب مثالی انتظار منطقی را شرح دهید؛ بگویید والدین اگر در تأمین خواسته‌ها و نیازهای واقعی فرزندشان و تمیز آنها هشیارند، خداوند بسیار هشیارتر از آنهاست.

تمام منابع کهکشان‌ها در دسترس و تحت اراده و تسلط خدا می‌باشد. او چون از ابتدا می‌تواند عاقبت امور را ببیند، قادر است نیازهای واقعی ما را از خواسته‌های دروغین تشخیص دهد و اگر چیزی مطلوب را از صمیم قلب از او بخواهیم، حتماً خواسته‌مان را اجابت خواهد کرد؛ بنابراین، همانگونه که مادر ممکن است در برخی از شرایط، خوردنی مورد علاقه‌ی کودک را به خاطر ضرری که برایش دارد، به او ندهد و خواسته‌ی او را برآورده نسازد، خداوند هم پاسخ برخی از تقاضاهای ما را که به ضرر ماست، نمی‌دهد و به جای آن، هدیه‌ی دیگر و بهتری در اختیار ما می‌گذارد.

۲. به فرزندتان خود کمک کنید تا تصویری بزرگ‌تر از خدا داشته باشند.

به او بیاموزید که خداوند صلاح او را بهتر از خودش تشخیص می‌دهد. به او یاد دهید که چگونه چیزی را از خداوند بخواهد و همان‌طور که برای خودش دعا می‌کند، برای دیگران نیز دعا نماید. اهمیت دادن به نیاز دیگران، پادزهر غرور و خودخواهی است. کودکی که به نیازهای دیگران اهمیت می‌دهد، خواسته‌های خود را تعدیل می‌کند، وسعت نظر می‌یابد و خواسته‌های جمعی خواهد داشت، نه فردی.

۳. شما، الگوی معنوی فرزندتان هستید، خواسته‌های پسندیده‌ای داشته باشید. پیش از دعا، درباره نیاز خود بیاندیشید. این تفکر سبب می‌شود که خواسته‌ی خود را اصلاح و کودک خود را با خواسته‌ها و دعاهای درست آشنا کنید.

۴. خدا را به خاطر آنچه دارید و هر چه پیش از این به شما عطا کرده است، شکر بگویید. هر شب، به خودتان یادآوری کنید که در روز چه اتفاقی باعث شادی شما شده و سزاوار شکرگزاری است.

به فرزندتان بیاموزید که حتی برای امور ناراحت‌کننده هم شکرگزار باشند؛ برای نمونه، بارانی که باعث برهم خوردن گردش خانوادگی شده، اما از سوی دیگر، عامل رشد و سرسبزی گل‌ها و مزارع فراوانی است و شمار زیادی را خوشحال کرده است. سپاس‌گزاری به خاطر داشته‌های کنونی، سبب قناعت و جلوگیری از فزون‌طلبی خواهد شد.

۵. حتی در صورت برآورده نشدن نیازهایتان، شکرگزار باشید. کودک ممکن است به خاطر اجابت نشدن دعای خود ناراحت شود. شما باید او را از اهمیت پاسخ‌های منفی آگاه سازید. به یادش بیاورید که شما نیز گاهی

خواسته‌های او را برآورده نکرده و حتی پاسخ رد به او داده‌اید، ولی همیشه خیر او را خواسته‌اید. حتی دلیل مخالفت خود را برای او شرح دهید.

۶. به کودک خود بیاموزید که خداوند حکیم است و صلاح هر کسی را بهتر از خودش می‌داند؛ بنابراین، اجابت نشدن دعای وی حتماً به سود او بوده است. به او بگویید که خدای مهربان در قرآن، ما را به دعا تشویق کرده و فرموده است: «زمانی که بندگانم درباره‌ی من می‌پرسند، بگو که من به دعای دعاکننده نزدیکم، وقتی که مرا صدا می‌زند، پاسخ می‌دهم».^۱ اگر خدا نمی‌خواست به ما کمک کند، به ما نمی‌گفت که دعا کنیم. اگر همه‌ی دعا‌های انسان‌ها برآورده می‌شد، نظم دنیا به هم می‌ریخت. مثلاً کشاورز دعا می‌کند که باران بیاید، ولی مسافر دعا می‌کند باران نیاید. افزون بر این، خیلی از چیزهایی که در دعا از خدا می‌خواهیم، به صلاح ما نیست. خدا به این دعاها هم پاسخ نمی‌دهد، زیرا ما را دوست دارد. از سوی دیگر، خیلی وقت‌ها خدا دعای ما را مدتی بعد برآورده می‌کند و نباید عجله کنیم. گاهی هم خدا بهتر از آنچه از او خواسته‌ایم، به ما می‌دهد و ما چون عجله داریم، می‌پنداریم که خدا به ما توجه ندارد.

۷. به او بگویید که دعا، گفت‌وگوی دوستانه ما با خداست. خدا از سر مهربانی به ما اجازه داده است هر وقت و هر جا که خواستیم، با او حرف بزنیم.

حتی اگر خدا خواسته‌ی ما را انجام ندهد و دعایمان را مستجاب نکند، ما را دست خالی بر نمی‌گرداند. خدا به خاطر آن که با او حرف زده‌ایم، حتماً در بهشت به ما پاداش خواهد داد. پس هیچ وقت از دعا کردن ضرر نمی‌کنیم؛ به خواسته‌ی خود می‌رسیم، خدا بهتر از آن را به ما می‌دهد یا به خاطر دعا کردن برایمان پاداش در نظر می‌گیرد. افزون بر این، گفت‌وگو با خدا سبب آرامش ما می‌گردد، دل ما را روشن می‌سازد و شادی و امید را وارد زندگی ما می‌کند.

۸. به کودک خود شیوه‌ی درست دعا و تقاضا کردن از خداوند، و نیز آداب دعا، شرایط و مقدمات آن، زمان‌های مناسب دعا و مکان‌های مطلوب برای برآورده شدن خواسته‌هایش را به صورت اجمالی و آسان آموزش دهید. در عین حال به او یادآور شوید که هر وقت مایل بود، می‌تواند به صورت غیررسمی آرزوها و نیازهایش را با خدا در میان بگذارد و به او اطمینان دهید که خداوند خواسته‌های او را می‌شنود و به فرشتگان دستور ثبت آن را می‌دهد تا پی‌گیری شود.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه‌ی فولادوند، محمد مهدی.
باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۲، ۱۳۸۰ ش.
حیدری ابهری، غلامرضا، خداشناسی قرآنی کودکان، قم، جمال، چ ۲، ۱۳۸۶ ش.
یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، مترجم: دکتر حاجی‌زاده، مسعود، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه انتشارات صابرین، چ ۳، ۱۳۸۱ ش.

^۱. بقره/۱۸۶.